

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۱ فبروری ۲۰۰۹

بارک اوباما – بوش ثانی یا بوش سیاه؟؟؟

یا کسی که بوش پیشش نی میزند؟؟؟

در شماره اخیر نشریه مبارز "خپلواکی – آزادی" مطلبی درج گردیده، زیر عنوان "اوباما – بوش سیاه"، که هم نافذ است و هم اعجاب آور. اعجاب آور ازینرو که نویسنده مقاله چطور توانسته تمام کیفیات متن مقاله را در عنوان بریزد. و نافذ ازین خاطر که نویسنده با درایت سیاسی که دارد، پیشگویی میکند، که اوباما در سیاست خارجی خود عین راهی را خواهد پیمود، که پیش کسوتش جارج دبلیو بوش – بوش چوچه – پیموده است. بنده ضمن مقاله "افغانستان – ویتنام اوباما؟؟؟" – مؤرخ ۱۹ فبروری ۲۰۰۹ که در صفحه ۲۰ فبروری ۲۰۰۹ پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" آذین بست – چنین نوشتم:

« آنچه در کانفرانس ناتو در "کراکو" (پولند) بررسی گردیده و در زمینه تصمیم گرفته خواهد شد، مشعر بر تشدید عملیات نظامی قوای متجاوز در افغانستان است. از همینجاست که ترکیب "ویتنام اوباما" عرض اندام کرده و سزاوار توجیه میگردد. اما چرا "ویتنام اوباما"؟؟؟ کسی که بحیث یک متخصص نظامی امریکا و تحلیلگر اوضاع افغانستان، این اصطلاح را بمیدان انداخته، بدون شک که سخن هوائی و به گزاف نگفته است. او میداند که امریکای تحت اداره اوباما در نظر دارد که باصطلاح جنگ افغانستان را هرو مرو به نفع امریکا ختم نماید؛ چنانکه این نکته از تبلیغات انتخاباتی اوباما هم دقیقاً استدرک میشود. سؤالی که حتماً عرض اندام میکند، این خواهد بود که:

آیا امریکا قادر خواهد بود که برنده جنگ افغانستان گردد؟؟؟ جواب سؤال بدرجه اول، از دو جانب ارائه شده میتواند. یکی از طرف خود افغانها و دیگر از طرف نمایندگان قوای اشغالگر و تحلیلگران غربی. بدون تردید که این سؤال را افغانها با یک "نه" و "نی" کلان جواب خواهند داد. غیرت افغانی و شعور فرهنگی و تاریخی ما حکم دیگری را اجازت نمیدهد. اما طرف مقابل چه جوابی را عرضه میدارد؟؟؟ جواب دو گونه بوده میتواند، آن هم از دو دسته مردم. اول جواب رسمی مقامات کشوری اشغالگران، و آن غیر از این بوده نمیتواند، که: "بلی؛ ما این جنگ را خواهیم برد و آخر الامر و در فرجام، برنده این نبرد خواهیم بود."

این جواب را قوای انگلیسی در قرن نهم و قوای روسی در قرن بیستم در افغانستان و قوای امریکائی در ویتنام هم داده بودند، و تاریخ بطلان هر سه را برملا ساخت. ازینجاست که جواب قوای اشغالگر برای ما اصلاً "جواب" بوده نمیتواند، چون ایشان نمیتوانند غیر از این جوابی هم بدهند. می ماند جواب کسانی از کشورهای غربی که خارج از چوکات اداری دول متجاوز، سخن میگویند و بارز ترین جواب همین است که من امروز از تلویزیون "سی ان ان" شنیدم. آن متخصص نظامی و تحلیلگر اوضاع روانی – اجتماعی – نظامی افغانستان جواب خود را در یک کلمه ارائه کرد؛ در "ویتنام اوباما". به یقین که او این جواب را آگاهانه انتخاب کرده و سخنی هوائی و "پا در هوا" را به زمین نینداخته است. او پیش بینی میکند، که امریکا خود را شدیداً در این جنگ منهدم خواهد ساخت، بدون اینکه آینده آنرا که میتواند نظیر "ویتنام" باشد، در نظر بگیرد.

در هر صورت، امریکای تحت رهبری اوباما تصمیم گرفته است، که مقاومت افغانان را شکسته و کشور شان را منکوب خود بسازد. ازدیاد عساکر امریکائی به اندازه ۳۰۰۰۰ نفر که اوباما بار بار از آن سخن گفته،

معلومات از دید عساکر کشور های دیگر ناتو را در افغانستان دنبال خواهد داشت. همین اکنون ۵۰۰۰۰ عسکر از ۴۱ مملکت جهان در افغانستان مستقر ساخته شده اند، که با ازدیاد قوای امریکائی به اندازه ۱۷۰۰۰ (۳۰۰۰۰) عسکر دیگر، تنها قوای امریکائی به ۵۰۰۰۰۰ (۶۸۰۰۰) نفر بالغ خواهد گشت. و اگر حکومت اوپاما کشورهای پایدو خود را مجبور به افزایش قابل وقع تعداد عساکر شان در افغانستان ساخته بتواند - که هر آئینه میتواند - تعداد کلی عساکر ناتو در افغانستان دکه به "یکصد هزار" نفر خواهد زد. و این برابر است با قوای متجاوز روسی که در ظرف ده سال کوشیدند، افغانستان را زیر تسلط خویش در آورند. ما مگر شاهد بودیم که اتحاد شوروی با مزایای سوق الجیشی که داشت، و با وجودی که یک اردوی منظم و بزرگ افغانی در پهلویش ایستاده بود، نتوانست، به مراد خود برسد. نتیجه آن شد، که قوای اشغالگر روس با سرافگندگی تاریخی مجبور به ترک افغانستان گردیدند.

با مد نظر گرفتن مزایای سوق الجیشی و امکانات وسیع اکمالاتی و لوژیستیکی که مسکو داشت، به جرأت میتوان گفت، که قوای اشغالگر ناتو باید تعداد عساکر خود را به بیشتر از یکصد و پنجاه هزار برسانند و از طرفی هم راههای اکمالاتی خود را مطمئانه تضمین نماید، تا در سطح قوای متجاوز شوری برسند.» (ختم نقل قول)

آنچه را جارج بوش "چوچه" (Jonior) آغاز کرده بود، میراثخوارش، بارک اوپاما، نه تنها ادامه خواهد داد، بلکه خواهد کوشید که به فرجام ظفرنمونش هم برساند!!!! این حکم نظامیست که بر اتازونی حکم میراند، و فارغ از آن که، که در رأس قدرت بیاید، ادامه خواهد یافت!!!! بگذراید که جهانکشایان به ترک تازیهای تاریخی خود ادامه بدهند، مردم افغانستان مگر یک جواب دارند، که گفته اند: "گپ مرد، یکسیت و دو نمیشود". جواب مردان این سرزمین همانست که عملاً و در میدانهای نبرد به جهانخواران داده شده که:

"نفس تاریخ افغانستان هیچگاه نسوخته و این بار هم نخواهد سوخت!!!!"

کس نمیداند؛ شاید بارک اوپاما - و به گفته ایرانیان دو آتشه "بارک حسین اوپاما" - می خواهد خود را به حیث "فاتح افغانستان" ثبت دفتر ایام نماید.

یک زمانی که قوای اشغالگر شوروی در افغانستان بودند و حتی بعد از آن تا به امروز هم، مطبوعات دولتی روسیه جنرالان اردوی خون آشام سرخ مستقر در افغانستان - از قبیل "جنرال بوریس گروموف" و یا "جنرال لیبید" - را "قهرمانان جنگ افغانستان" قلمداد میکردند و میکنند. و ما و جهانیان ندانستیم که وقتی اردوی سرخ کوچکتری فتح و ظفری را در میدانها جنگ افغانستان کمائی نکردند و با سرافگندگی و خفت تاریخی از خاک افغانستان دور انداخته شدند، دیگر منسوبان چنین اردویی را چطور بتوان "قهرمان" نامید؟؟؟ اگر به قضاوت وجدان بشریت گذاشته شود، چنین اشخاص را باید "بزدلان جنگ افغانستان" و "بزدلان تاریخ جهان" نام نهاد، و نه چیزی دیگر!!! اما مثلی که مفاهیم در قاموس جنایتکاران و خائنان، طور دیگر تشریح میگردند. همانقسمی که "بز پنجشیر" را "شیر پنجشیر" ساختند و همانگونه که "خائن ملی افغانستان" را "قهرمان ملی افغانستان" قلمداد کردند، میشود که هر "لگه و لگه" روسی و امریکائی را نیز با چنین القاب مطمئن متفخر ساخت.

بگذارید که بارک اوپاما نیز در "خیال پلو"ی که میزند، پیش از پیش خود را بحیث "فاتح" ثبت نام نماید. **ما مگر میدانیم که در گرداب جنگ افغانستان محلی برای پزیدن "خیال پلو" وجود داشته نمیتواند!!!!**

اگر از احکام کلی به جزئیات بگرائیم:

امروز در "ویدیو تکست" کانال اول تلویزیون دولتی المان موسوم به ARD مطلبی را خواندم، که انگیزه تحریر این مقاله گردید. در آنجا چنین آمده بود:

« زندانیان امریکا، که در بگرام نگهداری میگردند، حق اقامه دعوا را در محاکم امریکائی ندارند. و این عین تجویزیست که اداره جارج دبلیو بوش - جارج بوش "چوچه" - گرفته بود. اوپاما مگر هدایت داده است، تا سیاست "زندانی سازی" مورد تجدید نظر قرار گیرد....»

در محابس امریکائی واقع در خاک افغانستان، شرایط بس سنگین و غیر انسانی حکمفرماست که زندان معروف "ابو غریب" عراق را به یاد می آرد. همین اکنون شش صد زندانی در محبس اتازونی در "بگرام" محبوس اند و از روزگار رقتبار ایشان و شکنجه ها و بدرفتاریهای که بر ایشان رفته، کمتر کسی اطلاع دارد. بعضاً آزاد شدگان از این زندان حکایاتی دارند، که ظلم و شکنجه دوران نازیهای سفاک را تداعی مینماید.

سؤالی که بلافاصله با مطالعه این خبر عرض اندام میکند، اینست که: چرا حکوت امریکا به زندانیان مظلوم اجازه اقامه دعوا را در محاکم امریکائی نمیدهد؟؟؟

به حکم ضرب المثل های مشهور ما که "دزد سر خود پر دارد" و "خائن خائف است"، محض صدور چنین حکم نشان میدهد که مقامات حکومتی امریکائی از "ملزم گشتن" و "محکومیت" خود در این محاکم شدیداً

میهراسند. بلی؛ میهراسند که در صورت اقامه چنین دعاوی، "محکومیت" ایشان محتوم و اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در هر صورت، خواه کلیات را در نظر بگیریم و یا جزئیات را، دیده میشود که "بارک اوباما" سرنوشت سیاسی خود را با سرنوشت جنگ افغانستان گره زده، و آن را یک امر حیاتی امریکا تلقی مینماید.

**آینده در قبال ماست و رویدادها نشان خواهند داد، که حکم تاریخ ما
معتبر است یا حکم حکومت اوباما؟؟؟**